

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال سیزدهم / دوره جدید / شماره ۴۸ / پاییز و زمستان ۱۳۹۶
صص ۱۳-۲۱

بررسی مبانی قرآن اندیشه تقریبی ملا سعید نورسی



• محسن نورائی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلرس (نویسنده مسئول)

m.nouraei@umz.ac.ir

• مریم صحرائی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلرس

kosarevelayat87@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۰

چکیده

«وحدت» یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلام است. به باور بسیاری از اندیشمندان، تحقق وحدت امت اسلام، عامل بازگشت شکوه و عظمت به آن است. «ملا سعید نورسی» عارف کردتبار ترکیه، از جمله مصلحان معاصر است که تلاش علمی درخور در زمینه وحدت دارد. نوشتار پیش رو که به شیوه توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، می‌کوشد، تا با تمرکز بر اثر معروف نورسی «سائل النور»، اهم مبانی قرآنی این دانشمند را در زمینه وحدت به بحث نشیند. براساس نتیجه پژوهش، مهم‌ترین این مبانی عبارتند از: ایمان به خدا، پیروی از رهبر واحد، پایبندی به اخلاق اسلامی و توجه به تفقه و اجتهاد.

کلیدواژه‌ها: وحدت اسلامی، تقریب مذاهب، اتحاد محمدی، ملا سعید نورسی، رسائل النور.



مقدمه

سعید نورسی (۱۸۷۷-۱۹۷۶م) مشهور به «بدیع الزمان»، یکی از اندیشمندان اثرگذار و مصلحان اجتماعی روزگار معاصر است. زندگی این عالم کردتبار اهل ترکیه، مقارن با تحولات اجتماعی گسترده و پرتلاطم سپری شد. آغاز جنگ جهانی اول، سقوط حکومت عثمانی، اشغال سرزمین مسلمانان توسط کشورهای غربی و روی کار آمدن حکومت سکولار در ترکیه، از مهم‌ترین رخدادها هم‌عصر با وی است.^۱ ملا سعید نورسی مانند دیگر مصلحان همچون اقبال، محمد عبده و سید جمال، کوشید تا از مرزهای ایمان و اعتقاد امت اسلامی در برابر تهاجم غرب دفاع نموده و ایشان را از سیطره غرب برهاند. بیان دقیق نقاط ضعف تمدن غربی، به همراه تصریح و تأکید بر نقاط قوت تعالیم اسلامی، دو محور اساسی فعالیت‌های نورسی را تشکیل می‌دهد. بدیع الزمان با تأسیس مدارس ویژه و نیز نگارش کتاب معروفش موسوم به *رسائل النور* به ترویج و گسترش تفکراتش دست زد.

نورسی در آثارش، مهم‌ترین آسیبها و کاستیهای جوامع مسلمان را مطرح کرده و به دنبال درمان آنها است. تفرقه یکی از آسیبهایی است که نورسی با دقت به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته است؛ نورسی معتقد است: حل کامل این معضل، در سایه وحدت امت اسلامی و با اتکا به راهبرد مهم «بازگشت به قرآن» میسر است. از این رو در آثار متعددش به ترویج و گسترش اندیشه تقریبی و ترویج تفکر وحدت مسلمانان پرداخته است. ضرورت بررسی آرای نورسی هنگامی روشن می‌شود که توجه نماییم او اندیشمندی شناخته شده و پرطرفدار در کشورهای مختلف سنی مذهب است و ترویج اندیشه‌های تقریبی او می‌تواند زمینه تفاهم مذهبی را در بخش قابل توجهی از جغرافیای اسلامی فراهم نماید. افزون بر این، اندیشه‌های وی، به میزان زیادی متأثر از تعالیم قرآن است که معمولاً اندیشه‌های مبتنی بر قرآن، با اقبال بیشتری از سوی

۱. رک: سیره ذاتیه.

فرقه‌های مختلف روبه‌رو می‌گردد.

تاکنون در زمینه بررسی اندیشه‌های نورسی، آثار متعددی سامان یافته است. به عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقالات: «بازشناسی پژوهشها و اندیشه‌های قرآنی بدیع الزمان سعید نورسی» (۱۳۸۹ش)، تألیف علی راد و «بررسی رویکرد تمدنی سعید نورسی» (۱۳۸۱ش)، تألیف فیروز نوروزی، و پایان نامه: *اندیشه‌های عرفانی شیخ سعید نورسی* (۱۳۹۲ش)، تألیف مولود مصطفایی. اما هیچ‌کدام از آثار اشاره شده، به موضوع مقاله حاضر پرداخته است. نگاشته پیش رو، به بررسی اهم مبانی قرآنی اندیشه تقریبی ملا سعید نورسی می‌پردازد.

مفهوم شناسی وحدت اسلامی

پیش از ورود به بحث، شایسته است مراد از وحدت اسلامی و نیز شمار دیگری از اصطلاحات مرتبط، تبیین گردند. «تقریب» از ریشه «قرب» به معنای نزدیکی زمانی و مکانی، نزدیکی نسبی و خویشاوندی، بهره‌مندی، سرپرستی و پاس داشتن حرمت، قدرت و توانایی به کار رفته است.^۲ تعریفهای گوناگون درباره تقریب ارائه شده، اما به نظر سخن یکی از معاصران در این باب، روشن و مقبول است: تقریب مذاهب اسلامی کوششی جدی است برای تحکیم روابط میان پیروان این مذاهب، از راه درک اختلافهای موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلافات و نه اصل اختلافها.^۳ در این نوشتار، منظور از تقریب، نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی برای شناخت یکدیگر است، به منظور دستیابی به اخوت دینی، براساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی.

«مبانی» جمع مبنا، از ریشه «بني»، به معنای پایه و هر چیزی که بر آن و با تکیه بر آن، بر رویش چیزی می‌گذارند. بنا هم از همین ریشه است.^۴ این واژه در

۲. المفردات، ص ۶۶۳؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۶۶۲؛ معجم مقاییس اللغة،

ج ۵، ص ۸۰.

۳. سرگذشت تقریب، ص ۲۲.

۴. المفردات، ص ۱۴۷؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۲.

معنای اصطلاحی، آن دسته از عناصر و رهنمودهای دینی است که به صورت اصول و امور مسلم در یک زمینه است و جنبه زیرینا برای بقیه عناصر دارد، و به نحوی آنها را تبیین و تعیین می‌کند.^۵

«وحدت» در لغت به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است.^۶ وحدت از ریشه «وحد» به معنای انفراد و تنهایی است. واحد در حقیقت چیزی است که اجزاء ندارد، در نوع و جنس واحد است.^۷ اتحاد به معنای این است که دو (یا چند) شیء موجود به یک شیء تبدیل شوند.^۸ مقصود از این تعبیر در معنای اصطلاحی، عبارت است از همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی براساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیله امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود؛ یعنی ملت و امت اسلام باید هماهنگ، یکنواخت و هم‌صدا باشند. به باور این نوشتار، اتحاد میان مسلمانان، به معنای نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنها است؛ یعنی حفظ اصول مشترک و آزاد گذاشتن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود. راه رسیدن به این هدف، تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصبات غیرقابل کنترل است.

سخنان ارزشمند امام علی(ع) می‌تواند ترجمان گویایی از وحدت تلقی گردد، آنجا که در خطبه قاصعه می‌فرماید: «كَانَتِ الْأُمَلَاءُ مُجْتَمِعَةً، وَ الْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً، وَ الْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً، وَ الْأَيْدِي مُتْرَادِفَةً وَ السُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً»؛^۹ «وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنان یکی، قلبهای آنان یکسان، و دستهای آنان مددکار

یکدیگر، شمشیرها یاری کننده، نگاهها به یک سو دوخته، و اراده‌ها واحد و همسو بود».

ضرورت وحدت از نظر نوری

قرآن مسلمانان را امت واحده خوانده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»؛^{۱۰} «این است امت شما که همگی امت واحدی بودند» و ایشان را به انسجام فرامی‌خواند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛^{۱۱} «و همگی به ریسمان خدا، چنگ زنید، و پراکنده نشوید». قرآن نه تنها مسلمانان، بلکه غیرمسلمانان را نیز با تمرکز بر نقاط مشترک به وحدت و همسویی با مسلمانان و نوعی از وحدت و انسجام، دعوت می‌نماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا»؛^{۱۲} «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را همتای او قرار ندهیم».

ملا سعید نورسی متأثر از آیات قرآن کریم، در آثار مختلفش بر وحدت و اتحاد بین مسلمانان و پرهیز از تفرقه تأکید بسیار دارد. شاید بتوان گفت: اندیشه وحدت در مرکز افکار مصلحانه نورسی قرار دارد و به موضوعات دیگر در راستای وحدت می‌نگرد. براساس دیدگاه نورسی؛ وحدت امری فطری و ذاتی، و اختلاف امری اعتباری و عارضی است.^{۱۳} او حیات معنوی را در ارتباط با وحدت دانسته و می‌گوید: قطعاً حیات معنوی نتیجه وحدت است، پس هنگامی که اتحاد رفت، حیات معنوی هم از بین می‌رود.^{۱۴}

دیدگاه نورسی در باب وحدت و تقریب، به صورت منظم و منسجم در نظریه مشهورش موسوم به «اتحاد محمدی» نمایان است. وی ضمن فراخوان مسلمانان به



۵. ولایت و دیانت، ص ۵۰.

۶. الصحاح، ج ۲، ص ۵۴۷.

۷. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۹۰.

۸. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۴۷۶.

۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۱۰. انبیاء، ۹۲.

۱۱. آل عمران، ۱۰۳.

۱۲. آل عمران، ۶۴.

۱۳. الخطبة الشامیه، ص ۵۵.

۱۴. سیرة ذاتیه، ص ۴۰۳.



وحدت و اتحاد راه میانه و اعتدال، افراط‌گرایان شیعه و اهل سنت را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی آشکارا خود را پیرو سید جمال و شیخ محمد عبده می‌نامد و خواستار وحدت مسلمانان می‌گردد. وی نظریه اتحاد محمدی را با آگاهی از کارکرد وحدت در جهان اسلام و در مقابل حزب «اتحاد و ترقی» مطرح کرد.

منظور از اتحاد محمدی - به بیان نورسی - دایره‌ای از ارتباط ایمانی مسلمانان است که فراتر از مرزها، از شرق به غرب و از جنوب به شمال امتداد دارد و عامل اتصال و وحدت در آن «توحید» است. او اذعان می‌کند در این اتحاد، خاص و عام فرقی نمی‌کند؛ چون گرامی‌ترین نزد خدا، با تقواترین است و با تقواترین، متواضع‌ترین است.^{۱۵} این اتحاد یک اتحاد دینی است؛ اتحاد اسلام بین جمیع مؤمنان بالقوه یا بالفعل.^{۱۶} به گفته نورسی، هدف اتحاد محمدی، اعلاء کلمه توحید است و قصد آن، تحریک رابطه نورانی است که معابد اسلامی را که منتشر و منشعب شده‌اند، به هم مرتبط و متصل کند.^{۱۷}

نکته قابل توجه در دیدگاه نورسی، گسترش دامنه وحدت به اقلشار گوناگون جامعه (خواص و عوام) است. نورسی صرفاً قائل به وحدت توده افراد امت نبود، بلکه به اتحاد اندیشمندان جهان اسلام نیز اهتمام داشت. به همین دلیل او را باید از منادیان تقریب مذاهب اسلامی دانست. او معتقد است: هیچ‌کس خارج از وحدت نیست (حتی عالمان و خواص)، همچون قطره آبی که صفت آب را دارد. پس شخص معنوی از درون جماعت بوده و روح آن است. وی بیان می‌دارد که الآن زمان وحدت است و نه زمان فردیت و اظهار انانیت.^{۱۸} او معتقد است: مسلک و حقیقت اتحاد محمدی برای همه مردم است.^{۱۹}

نورسی با کنار گذاشتن نکات افتراق مذاهب اسلامی، بر اصول مورد اتفاق مذاهب تمرکز می‌نماید. او به عناصر مشترکی مانند: قبله واحد، ایمان به خدای واحد و رهبر واحد، توجه دارد. او می‌گوید: قصد ما از وحدت، اتحاد جماعت‌های دینی در هدف است.^{۲۰} از جمله اصول مشترکی که مسلمانان جهان را به هم پیوند می‌زند، دعوت به ایمان و عمل صالح و اعتقاد به پیامبر واحد، رسول گرامی اسلام است.^{۲۱}

مبانی و عوامل وحدت و تقریب در نگرش قرآنی نورسی

۱) ایمان به خدا و عمل صالح

ایمان و عمل صالح از مبانی و عوامل اساسی است که باعث اتحاد می‌شود. این مبنای مهم وحدت، خود از توحید سرچشمه می‌گیرد. از این رو قرآن شرط نجات پیروان شرایع آسمانی را ایمان به خدا (توحید)، معاد و عمل صالح دانسته است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالْبَصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛^{۲۲} «کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صابئان، هرکدام که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و کاری شایسته انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند».

از دیدگاه نورسی ایمان اولین مقصد و نخستین جزء دین است. وی عمل صالح را دومین جزء دین دانسته و آن را وسیله خیر دنیا و سعادت اخروی معرفی می‌نماید.^{۲۳} نورسی ضمن اشاره به مناسک حج، به عنوان مصداق عمل صالح، مخاطبان را به کارکرد اتحاد آفرینی حج توجه می‌دهد. از نظر او، حج یادآور

۱۵. الخطبة السامية، ص ۹۱.

۱۶. همان، ص ۸۴.

۱۷. همان، ص ۷۶.

۱۸. همان، ص ۸۵.

۱۹. همان، ص ۷۸.

۲۰. همان، ص ۸۹.

۲۱. سیرة ذاتیه، ص ۱۴۴.

۲۲. بقره، ۶۲.

۲۳. سیرة ذاتیه، ص ۵۰۸.

قبله مشترک مسلمانان و بزرگ‌ترین اجتماع عبادی مسلمانان است. وی اذعان می‌دارد که اگر مسلمانان در انجام شعائر دینی کوتاهی کنند، ضعیف می‌شوند و ضعف آنان باعث چیره شدن دشمن می‌گردد. او معتقد است: بسنده نمودن به ظاهر احکام شرعی کافی نیست، بلکه ایمان باید در رفتار آنان نیز تجلی پیدا کند. از مهم‌ترین نشانه‌های تجلی ایمان در رفتار، پایبندی به عدالت و اصول اخلاقی است.^{۲۴}

نورسی در خطبه شامیه افزون بر عنصر اتحاد، از دیگر عناصر مرتبط با ایمان یاد نموده و روحیه شهادت طلبی و مبارزه را از نشانه‌های ایمان دانسته و می‌گوید: مسلمان از مرگ با شادی استقبال می‌کند؛ زیرا با خود می‌گوید اگر کشته شوم، پس شهید هستم و اگر دشمن را بکشم، پس مجاهد هستم.^{۲۵} او خطاب به سربازان اسلام می‌گوید: پرچم اسلام و توحید در دستان شجاع شماست و قدرت دستان شما در طاعت است.^{۲۶}

۲) پیروی از رهبر واحد

پیروی از پیامبر(ص)، یکی از مهم‌ترین مبانی وحدت در نگره قرآنی نورسی است. قرآن کریم آشکارا پیروی از پیامبر(ص) را عاملی برای وحدت و شکوه مسلمانان معرفی نموده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^{۲۷} «و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید؛ و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان می‌رود». بنابراین، لازم است مذاهب مختلف برای رفع اختلافات و درگیریهای درونی به مشترکات تمسک کنند، تا در برابر بیگانگان، یگانگی و اتحاد خود را حفظ کنند. در آیه‌ای دیگر درباره اطاعت از پیامبر می‌فرماید: «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ»^{۲۴}

۲۴. گفتنی است نورسی رساله‌ای هم در همین زمینه تحت عنوان «ثمره درخت ایمان» نگاشته است.

۲۵. الخطبة الشامية، ص ۵۷.

۲۶. همان، ص ۹۷.

۲۷. انفال، ۴۶.

جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»^{۲۸} «هرکس که بعد از آشکار شدن هدایت برای او، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان سو که می‌رود می‌بریم، و به دوزخ داخل می‌کنیم، و چه بد فرجامی است».

نورسی پیامبر(ص) را رئیس و رهبر «اتحاد محمدی» معرفی می‌کند و نظام داخلی این اتحاد را سنت نبوی و قانونش را اوامر و نواهی شرعی می‌داند. او در خطبه شامیه می‌گوید: برای برقراری اتحاد بین مسلمانان باید سنت نبوی را احیا کنیم و به اوامر آن عمل و از نواهی آن اجتناب کنیم.^{۲۹} وی در موضع دیگر از آثارش، راه اتحاد را تخلق به اخلاق پیامبر(ص) و احیای سنت نبوی ذکر می‌کند. او ایمان به خدا و پیامبر(ص) را عامل اتحاد مسلمانان می‌داند.^{۳۰} او می‌نویسد: بر ما واجب است قبل از هر چیز به سوی پیامبر(ص) میل کنیم.^{۳۱}

بایسته است تا افزون بر نمونه‌های فوق که بیانگر شیفتگی نورسی به پیامبر(ص) است، به ارادت او نسبت به ساحت اهل بیت(ع) نیز اشاره شود. وی در آثارش از حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) یاد و تجلیل نموده است. در رساله منهاج السنه اظهار می‌دارد که محبت فراوان پیامبر(ص) به امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، فقط به خاطر انتساب نسبی ایشان نبوده، بلکه بدین سبب است که آنان ادامه نور رسالت هستند. پیامبر از آن جهت اهل بیتش را زیر عباي خود جمع نمود، تا نشان دهد در فتنه‌ها و حوادثی که در آینده رخ خواهد داد، برترین شخصیتها - که پاک و معصوم و صاحب شرف و عزت هستند - همین اهل بیت(ع) هستند.

۳) اخوت دینی

سومین مبنا از مبانی قرآنی اندیشه تقریبی نورسی،

۲۸. نساء، ۱۱۵.

۲۹. الخطبة الشامية، ص ۹۱.

۳۰. سيرة ذاتية، ص ۱۴۴.

۳۱. الخطبة الشامية، ص ۳۰.





«اخوت دینی» است. قرآن کریم مؤمنان را برادران یکدیگر خوانده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^{۳۲} «مؤمنان برادر یکدیگرند». براساس این آیه، مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و دارای هر زبان که باشند، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند، هرچند یکی در شرق جهان و دیگری در غرب زندگی کند.^{۳۳}

قرآن کریم برادرانگاری همکیشان را موهبتی ویژه دانسته که خداوند به مؤمنان ارزانی داشته است: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»^{۳۴} «و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت برقرار ساخت، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد».

نورسی با الهام از معارف قرآنی، مسلمانان را به وحدت دعوت می‌کند و می‌گوید: ای اهل سنت و جماعت و ای اهل تشیع و محبان اهل‌بیت(ع)، از اختلاف و نزاع دور شوید که از آن فقط دشمنان سود می‌برند، شما همگی اهل توحید هستید و رابطه اخوت همه شما را به وحدت دعوت می‌کند.^{۳۵}

نورسی قائل به حذف تنوع قومیتی و مذهبی در جامعه نیست، بلکه بر این باور است که این تنوع باید به سطحی از همدلی و برادری برسد که به عنوان موتور محرک جامعه در جهت پیشرفت تمدن اسلامی حرکت نماید. وی همه جهان اسلام را به کنار گذاشتن پراکندگی دعوت می‌کند و برای دستیابی به وحدت و همبستگی، ترک تظاهر و افراط‌گرایی را مطرح می‌نماید. او می‌گوید: سنگ بنای امت ما و قوام روحش، فقط اسلام است و همه حامل یک پرچم که آن هم اسلام است، هستیم. و همه امت براساس

اسلام، برادر یکدیگریم و به خاطر همین رابطه مقدس، مسلمانان همچون یک عشیره هستند، پس طوائف اسلامی با اخوت به هم مرتبط می‌شوند گویا همچون حلقه‌های نورانی، سلسله وار به یکدیگر مرتبطند. به طوری که اگر فردی از عشیره مرتکب خطایی شود عشیره او در نظر عشیره دیگر مسئول و متهم می‌شوند، گویا هر فرد از آن عشیره خطا را مرتکب شده‌اند. و همچنین هرگاه یکی از افراد عشیره احسانی می‌کند، همه افراد عشیره افتخار می‌کنند. گویا هر فرد از آن عشیره احسان نموده است.^{۳۶}

نورسی معتقد است کسی که تمام همتش برای خودش است، از کمال انسانیت فاصله گرفته است.^{۳۷} او اعلام می‌کند که در قرن اخیر، اسلام عقب نمانده است، بلکه عقب مانده واقعی مسلمانانی هستند که از اسلام دور شده‌اند. وی اذعان می‌کند: همه مشکلات جامعه با احکام اسلام قابل حل است؛ زیرا ارزشهای اسلامی برای زندگی روزمره بشر است و بین ارزشهای اسلامی و مسائل زندگی روزمره، پیوند وجود دارد. ایشان یکی از روابط مهم بین مسلمانان را رابطه دوستی و محبت و برادری می‌داند.^{۳۸}

نورسی معتقد است اتحاد باید در سه سطح ایجاد گردد: یکی در سطح گروههای سازنده جامعه که همان سطح داخلی است. او وحدت ملی را همدلی تمام گروههای داخلی تعریف می‌کند. به همین دلیل به مشارکت در جنگ علیه دولت مرکزی پاسخ منفی می‌دهد و آن را برادرکشی می‌نامد. سطح دوم همدلی و برادری میان کشورهای است که تحت نظر امپراتوری عثمانی هستند. سطح سوم، سطح جهان اسلام است که همان اندیشه تقریب مذاهب اسلامی است و نورسی بسیار به آن معتقد بود. او تأکید فراوان به اخوت در بین مسلمانان جهان دارد و مشرب «اتحاد محمدی» را موهبتی می‌داند که بذر برادری بین مؤمنان است، تا

۳۲. حجات، ۱۰.

۳۳. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۱.

۳۴. آل عمران، ۱۰۳.

۳۵. سیره ذاتیه، ص ۱۳۷.

۳۶. الخطبة الشامية، ص ۴۸.

۳۷. همان، ص ۵۱.

۳۸. همان، صص ۴۶-۴۸.

تبدیل به شجره طوبی شود.^{۳۹}

۴) پایبندی به آموزه‌های اخلاقی

بسط و توسعه تعالیم اخلاقی، یکی از اهداف برجسته رسالت پیامبر(ص) است که ایشان می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^{۴۰} «به‌راستی که من مبعوث شدم، تا شرافتهای اخلاقی را کامل کنم [و به مردم پیاموزم]». قرآن کریم نیز با ادبیات گوناگون به اهمیت تعالیم اخلاقی اشاره نموده است. به عنوان نمونه از زبان اهل ایمان چنین نقل می‌نماید: «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^{۴۱} «و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا، تو رؤوف و مهربانی». هرچند تعبیر «غل» در اصل به معنای نفوذ مخفیانه چیزی است، اما همان‌گونه که برخی از مفسران گفته‌اند؛ تعبیر غل مفهوم وسیعی دارد که بسیاری از صفات مخفی و زشت اخلاقی را شامل می‌شود.^{۴۲}

نورسی نیز با الهام از آموزه‌های نبوی و تعالیم قرآنی، پایبندی به تعالیم والای اخلاقی را عامل وحدت مسلمانان می‌داند. او در تعبیری، مسلک اتحاد مسلمانان را جهاد اکبر بیان کرده است.^{۴۳} نورسی معتقد است اگر ما با افعال، اعمال و سلوکمان مکارم اخلاق را زنده کنیم و کمال حقایق ایمان را نشان دهیم، نه تنها پیروان ادیان دیگر، بلکه تمام ملل جهان و قاره‌ها، گروه گروه به دین اسلام وارد می‌شوند.^{۴۴}

او به حاکمیت اخلاق در جامعه اسلامی برای ایجاد وحدت معتقد است. از نظر وی محبت مشرب اتحاد است،^{۴۵} دشمنی را از بین می‌برد و زندگی اجتماعی بشر را ضمانت می‌کند. وی می‌گوید: هرگاه محبت حقیقی را در قلبت یافتی، پس دشمنی به رأفت و

شفقت تبدیل می‌شود و اهل ایمان را نجات می‌دهد. او اسباب محبت را ایمان، اسلام و انسانیت معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که شهامت ایمانی مجهز به شفقت و مهربانی است.

نورسی معتقد است در دریافت علم و حق، باید به اندیشه نگاه کرد، نه به افراد؛ یعنی باید نوع نظرات و اندیشه‌ها را ملاک داوری قرار داد و برای تکمیل این مرحله، باید به آداب محاوره و گفتگو ملتزم بود، تا تعصبات جاهلی و عدم قبول کلمه حق از روی خود برترینی، باعث دورشدن از حقایق نشود. رعایت شرط زمان و مکان از شروطی است که بدون مراعات آن، امکان تحقق اهداف مقدور نخواهد بود. ایشان اظهار می‌دارد: تسامح، تساهل و ضبط نفس و رعایت انصاف و عدل از اصول مثبت و ارزشمند در تحقق اهداف خواهد بود و با خودخواهی نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید. از نظر او، صدق، اساس اسلام است و صداقت و راستی زندگی اجتماعی انسان را به هم پیوند می‌دهد. او می‌گوید: ای برادران! نجاتی نیست جز با صدق و صدق عروة الوثقی است.^{۴۶} البته اخلاق مورد نظر نورسی، اخلاق منطبق با شریعت اسلام است؛ زیرا بدون اسلام، اخلاق فاسد و صفات مذموم غالب می‌شود.^{۴۷}

نورسی اذعان می‌کند بی‌اخلاقی از موانع مهم وحدت است. به همین سبب، او یکی از عوامل اصلی انحطاط جوامع اسلامی را عدم پایبندی به مظاهر اخلاق، مانند دروغ، کینه توزی، انحصار طلبی، منفعت جوئی و استبداد بیان می‌کند.^{۴۸} نورسی از میان مصادیق عدم پایبندی به اخلاق، بر زشتی دروغ‌گویی تأکید دارد. وی ضمن تقسیم دروغ به انواع مختلف، دروغ‌گویی را کلید کفر معرفی می‌کند. ریا را دروغ عملی، تصنع و چاپلوسی را کذب دنیء و نفاق را دروغ بسیار مضر می‌داند و اعلام می‌کند نفاق و تحیز باعث تفرقه و

۳۹. سیره ذاتیه، صص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۴۰. السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۳۲۳.

۴۱. حشر، ۱۰.

۴۲. رک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۳۱.

۴۳. الخطبة الشامیه، ص ۸۰.

۴۴. همان، ص ۲۴.

۴۵. همان، ص ۷۶.

۴۶. همان، صص ۴۲-۴۵.

۴۷. همان، ص ۶۳.

۴۸. همان، صص ۱۴۶-۱۴۸.





پیداشدن فرقه‌ها و احزاب قومی است و کذب نفس را افتراء بر قدرت صانع جلیل می‌داند. از دیدگاه نرسی، کفر، جمیع انواع کذب است، در حالی که اساس اسلام صدق است و فاصله بین صدق و کذب فاصله مشرق و مغرب است و این دو هیچ‌گاه باهم مختلط نمی‌شوند همچون نار و نور.^{۴۹} در نگاه جامع نگرانه نرسی به سیاست نیز توجه به دروغ چشمگیر است. وی یادآور می‌شود سیاست فریب‌کارانه روشنی و تاریکی، درست و نادرست را باهم می‌آمیزد. نرسی از این سیاست شر و پلید که مبتنی بر خودخواهی و منافع شخصی است و به عدالت و حقیقت توجهی ندارد، به خدا پناه می‌برد. او این نوع سیاست را درنده مخوف فکر و اندیشه می‌نامد و معتقد است قرآن به طور مؤکد مسلمانان را از برگرفتن و مشغول شدن به چنین سیاستی برحذر می‌دارد.^{۵۰}

۵) تفقه در عرصه‌های گوناگون زندگی

تفقه به معنای فهم تخصصی و عمیق آموزه‌های دینی است. تفقه به معنای رایج آن در فقه، یکی از مصادیق آن محسوب می‌شود. این اصطلاح برگرفته از آیه ۱۲۲ سوره توبه - معروف به آیه نَفَر - است. در این آیه، خداوند به گروهی از مؤمنان به عنوان واجب کفایی، فرموده است که به دنبال تحصیل علم و دانش در مسائل دین بروند، تا بتوانند احکام خداوند را از کتاب و سنت استنباط کرده، هم خود به آن عمل نمایند و هم دیگران را از آن آگاه سازند. نکته اساسی در باب تفقه، این است که در فرهنگ دینی، تفقه به استنباط احکام فقهی محدود نشده است، بلکه در دیگر حوزه‌های معرفتی اسلام نیز جریان دارد. آن‌گونه که از رهگذر تفقه و فهم تخصصی دین، همه نیازهای مردم در حوزه هدایت به سوی کمال و تقرب به خدا از نظر علمی و عملی، معرفتی و رفتاری فراهم گردد.

نرسی بر نقش اساسی آگاهی آحاد امت اسلامی، در برقراری و بسط و دوام وحدت، تأکید فراوان

می‌نماید.^{۵۱} وی افزون بر ضرورت آگاهی توده مردم، بر عنصر اجتهاد توجه ویژه داشته و خواستار احیای مسئله اجتهاد به مفهوم واقعی کلمه برای کشف حقیقت و دستیابی به اهداف مشترک در بین پیروان مذاهب اسلامی است، تا از این طریق، زمینه وحدت بین مذاهب اسلامی فراهم شود. او - تا حد زیادی همانند علمای شیعه - عقل را یکی از مهم‌ترین منابع اجتهاد می‌داند و برای آن جایگاه خاصی قائل است. نرسی معتقد است اسلام راهنمای همه علوم است و علم آن از نوع حقیقی است. او دانش الهی را، هم اساس علم و هم قله همه علوم می‌داند. ایشان معتقد به استفاده عقل در مسائل اعتقادی هم هست و بیان می‌کند که عقل و علم آینده جهان را در اختیار خواهند گرفت. بنابراین قرآن بر جهان حاکم خواهد شد؛ چون اساس اوامرش بر این دو عنصر مهم عقل و علم استوار است. به همین دلیل، آینده را از آن اسلام می‌داند.^{۵۲}

نرسی می‌گوید: در آغاز و فرجام شمار قابل توجهی از آیات، قرآن به انسان تذکر داده که به عقل رجوع کند و از آن مشورت بگیرد، تا حقیقت برایش آشکار شود. نرسی مسلمانان را متوجه کلماتی از قرآن می‌کند که عقل بشری را مخاطب قرار می‌دهند، کلماتی مانند: فاعلموا، فاعلم، افلا یعقلون، افلم یبظروا، افلا یتذکرون، افلا یتدبرون، فاعتبروا، و یا اولی الابصار. وی عنوان می‌کند که در آینده، احکام قرآن به عقل و منطق و برهان مستند می‌شود و ما مسلمانان حقایق قرآن را با عقل و فکر و قلبمان قبول می‌کنیم.^{۵۳}

نرسی بی‌توجهی به عنصر خردورزی و تفقه و اجتهاد حقیقی را از موانع وحدت بین مسلمانان جهان به شمار می‌آورد و جهل و نادانی را دشمن اول و سرمنشأ تمام شرارتها و بدیها می‌داند. به باور او، نجات از این مشکل تنها در سایه گسترش دانش و آگاهی حاصل می‌شود. تحکم و سیطره چهره‌های اثرگذار بر افکار و اذهان

۵۱/المناظرات، ص ۷۵.

۵۲/الخطبة السامیه، صص ۳۱ و ۳۲.

۵۳/همان، صص ۲۶-۲۸.

۴۹. همان، صص ۴۲-۴۵.

۵۰. همان، ص ۴۲.

نتیجه‌گیری

۱. اندیشه تقریبی نورسی دارای ساختاری روشن و منسجم و مبتنی بر تعالیم قرآن کریم است.
۲. به باور نورسی دستیابی به وحدت نه تنها مطلوب، بلکه میسر و مقدور است.
۳. اندیشه تقریبی نورسی با اندیشه تقریبی عالمان شیعی تقریباً همسو، سازگار و قابل جمع است.
۴. در دیدگاه تقریبی نورسی، مقتضیات و شرایط معاصر جوامع اسلامی لحاظ شده است.
۵. مدل پیشنهادی نورسی برای تقریب، از قابلیت تعمیم و انعطاف لازم برای پیاده سازی در جوامع مختلف برخوردار است.
۶. نگاه تقریبی نورسی به دور از افراط و تفریط و به شکل متعادل، به دو عنصر عقیده و عمل دینی معطوف است.

مردم و تقلید کورکورانه را عامل جلوگیری از نشر آزادی فکر می‌داند. همچنین توهم ناسازگاری میان علوم جدید و حقایق اسلام را مانعی برای گسترش حقایق اسلام ذکر نموده است.^{۵۴}

نورسی معتقد است آنچه مسیحیان و امثال آنها را به دره‌های گمراهی کشانده، عدم تمایل به استدلال، ردّ شواهد و تقلید کورکورانه از روحانیت است. او می‌گوید: آنچه به صورت مستمر اسلام را نمایش می‌دهد و حقایق آن را فاش می‌سازد، تا افکار انسانی گسترش یابد، ریشه حقیقی اسلام است که همواره با شواهد و استدلال براساس واقعیت و مطابق با خرد می‌باشد. در حقیقت، معارف اسلام بیانگر جمیع کمالات است و مسلمانان می‌توانند با بهره‌گیری از عقل و فکر، خود را به علوم صحیح و حقیقی آن مجهز نموده و همچون نفس واحد باشند.^{۵۵}

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی تبلیغاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۳ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران،

۵۴. همان، ص ۲۷.

۵۵. همان، ص ۳۲.

